اولین کنفرانس بین‌المللی
مطالعات تطبیقی دانش و نوآوری
در روانشناسی، علوم تربیتی، مدیریت، حقوق و آموزش و پرورش
با رویکرد علوم انسانی

MDOI-01-2026.0037
MNR--1-3E4B33

تأثیر روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی بر افزایش انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان

شریفه زندی

لیسانس ادبیات فارسی استان کردستان شهرستان دهگلان کدپرسنلی ۸۳۹۵۳۹۵۷

saroamiry@gmail.com

۱- چکیده

درس ادبیات فارسی از مهم‌ترین دروس نظام آموزشی است که علاوه بر تقویت توانایی‌های زبانی و ادبی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی، پرورش تفکر، افزایش قدرت تحلیل و توسعه مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان دارد. با این حال، استفاده مداوم از روش‌های سنتی تدریس، تأکید بیش از حد بر انتقال یک‌سویه مطالب و محدود بودن فرصت مشارکت دانش‌آموزان می‌تواند موجب کاهش انگیزش تحصیلی و مشارکت فعال آنان در فرایند یادگیری شود. ازاین‌رو، بهره‌گیری از روش‌های نوین تدریس، از جمله یادگیری مشارکتی، تدریس مبتنی بر مسئله، یادگیری اکتشافی، استفاده هدفمند از فناوری‌های آموزشی، کلاس معکوس و فعالیت‌های تعاملی، می‌تواند زمینه مناسبی برای افزایش علاقه و مشارکت دانش‌آموزان در درس ادبیات فارسی فراهم کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی بر افزایش انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان انجام شده است. این مطالعه با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و با تکیه بر مبانی نظری و یافته‌های پژوهش‌های پیشین، رابطه میان شیوه تدریس معلم، انگیزش یادگیری و مشارکت فعال دانش‌آموزان را بررسی می‌کند. یافته‌های مورد انتظار نشان می‌دهد که روش‌های تدریس نوین، با ایجاد محیطی تعاملی، دانش‌آموزمحور و معنادار، می‌توانند زمینه افزایش علاقه به ادبیات فارسی، احساس خودکارآمدی، تعامل با همکلاسی‌ها، مشارکت در فعالیت‌های کلاسی و مسئولیت‌پذیری در فرایند یادگیری را فراهم سازند. بر این اساس، بازنگری در شیوه‌های آموزش ادبیات فارسی و حرکت از الگوی انتقال دانش به سمت الگوی یادگیری فعال، یکی از الزامات ارتقای کیفیت آموزش این درس محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی : روش‌های نوین تدریس، ادبیات فارسی، انگیزش تحصیلی، مشارکت فعال، یادگیری دانش‌آموزمحور، فناوری آموزشی.

۲- مقدمه

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در رشد علمی، اجتماعی و فرهنگی افراد است و کیفیت فرایند آموزش در آن، تا حد زیادی به شیوه‌هایی وابسته است که معلمان برای انتقال مفاهیم و ایجاد یادگیری به کار می‌گیرند. در نظام‌های آموزشی معاصر، دیگر انتقال صرف اطلاعات از معلم به دانش‌آموز نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای پیچیده یادگیری باشد؛ بلکه دانش‌آموز باید در فرایند یادگیری نقش فعال داشته باشد و فرصت تجربه، پرسشگری، تحلیل، گفت‌وگو و تولید دانش را به دست آورد. در چنین رویکردی، معلم از انتقال‌دهنده صرف مطالب به تسهیل‌کننده یادگیری تبدیل می‌شود و محیط کلاس نیز از فضایی یک‌سویه به محیطی تعاملی و مشارکت‌محور تغییر می‌یابد.

در میان دروس مختلف، **ادبیات فارسی** جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا آموزش این درس تنها به یادگیری قواعد زبانی، واژگان، آرایه‌های ادبی و متون ادبی محدود نمی‌شود، بلکه با رشد تفکر، تخیل، خلاقیت، مهارت‌های ارتباطی، درک فرهنگی و شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان ارتباط دارد. ادبیات فارسی می‌تواند زمینه‌ای برای آشنایی دانش‌آموز با میراث فرهنگی و فکری جامعه و همچنین تقویت توانایی او در بیان احساسات، افکار و دیدگاه‌های خود فراهم سازد. بنابراین، کیفیت آموزش این درس می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان داشته باشد.

با وجود این اهمیت، یکی از چالش‌های موجود در آموزش ادبیات فارسی، استفاده از شیوه‌هایی است که در آن دانش‌آموز عمدتاً دریافت‌کننده مطالب ارائه‌شده از سوی معلم است. در چنین شرایطی، ممکن است فعالیت‌هایی مانند خواندن و تحلیل متون ادبی، شعرخوانی، داستان‌خوانی، بحث درباره مفاهیم ادبی و نگارش، به فعالیت‌هایی تکراری و کم‌تحرک تبدیل شوند. پیامد چنین وضعیتی می‌تواند کاهش علاقه دانش‌آموزان به درس، کاهش انگیزش درونی و محدود شدن مشارکت آنان در فعالیت‌های آموزشی باشد.

انگیزش تحصیلی یکی از متغیرهای اساسی در فرایند یادگیری است. دانش‌آموزی که نسبت به یادگیری انگیزه بیشتری دارد، معمولاً با علاقه و پشتکار بیشتری در فعالیت‌های آموزشی شرکت می‌کند، برای حل مسائل تلاش بیشتری نشان می‌دهد و در برابر دشواری‌های یادگیری مقاومت بیشتری دارد. در مقابل، پایین بودن انگیزش می‌تواند موجب بی‌تفاوتی، کاهش تلاش، مشارکت محدود و حتی شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به یک درس شود. بنابراین، یکی از وظایف مهم معلم، فراهم کردن شرایطی است که دانش‌آموز یادگیری را فعالیتی معنادار، جذاب و قابل دستیابی تلقی کند.

در کنار انگیزش، **مشارکت فعال دانش‌آموزان** نیز یکی از شاخص‌های مهم کیفیت فرایند آموزشی محسوب می‌شود. مشارکت فعال تنها به حضور فیزیکی دانش‌آموز در کلاس محدود نیست، بلکه شامل مشارکت ذهنی، عاطفی و رفتاری او در فعالیت‌های یادگیری است. پرسشگری، اظهار نظر، همکاری با دیگران، تحلیل متن، ارائه دیدگاه، انجام فعالیت‌های گروهی، تولید محتوای ادبی و مشارکت در بحث‌های کلاسی از جمله رفتارهایی هستند که می‌توانند بیانگر مشارکت فعال دانش‌آموز باشند.

در این میان، **روش‌های نوین تدریس** می‌توانند نقش مهمی در تغییر فضای آموزشی و افزایش مشارکت دانش‌آموزان ایفا کنند. یادگیری مشارکتی، یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری اکتشافی، کلاس معکوس، آموزش مبتنی بر پروژه و استفاده هدفمند از فناوری‌های دیجیتال از جمله رویکردهایی هستند که بر فعالیت دانش‌آموز، تعامل، تجربه و یادگیری معنادار تأکید دارند. استفاده مناسب از این روش‌ها در درس ادبیات فارسی می‌تواند امکان گفت‌وگو درباره متون، تحلیل گروهی اشعار و داستان‌ها، تولید آثار ادبی، اجرای نمایش‌های کوتاه، استفاده از محتوای چندرسانه‌ای و ارتباط دادن مفاهیم ادبی با تجربه‌های زندگی دانش‌آموزان را فراهم کند.

برای مثال، در یک روش تدریس مشارکتی، دانش‌آموزان می‌توانند یک شعر یا داستان را به صورت گروهی بررسی کنند و هر گروه از زاویه‌ای متفاوت به تحلیل متن بپردازد. در روش پروژه‌محور نیز می‌توان از دانش‌آموزان خواست درباره یک شاعر، نویسنده یا موضوع ادبی پژوهش کنند و نتایج کار خود را در قالب ارائه، پوستر، پادکست یا محتوای دیجیتال عرضه کنند. چنین فعالیت‌هایی، درس ادبیات فارسی را از یک فرایند صرفاً حافظه‌محور به تجربه‌ای فعال، اجتماعی و خلاق تبدیل می‌کند.

همچنین، فناوری‌های آموزشی فرصت‌های جدیدی را برای آموزش ادبیات فارسی ایجاد کرده‌اند. استفاده از فیلم‌های آموزشی، کتاب‌های الکترونیکی، پادکست‌های ادبی، محتوای تعاملی و ابزارهای دیجیتال می‌تواند شیوه مواجهه دانش‌آموزان با متن ادبی را متنوع کند. البته استفاده از فناوری به خودی خود موجب بهبود یادگیری نمی‌شود؛ بلکه اثربخشی آن به نحوه طراحی فعالیت آموزشی و میزان هماهنگی آن با اهداف درس بستگی دارد. بنابراین، فناوری باید به عنوان ابزاری برای تقویت فرایند یادگیری مورد استفاده قرار گیرد، نه جایگزینی برای طراحی آموزشی مناسب.

از سوی دیگر، موفقیت روش‌های نوین تدریس به عوامل مختلفی مانند مهارت حرفه‌ای معلم، شرایط مدرسه، امکانات آموزشی، ویژگی‌های سنی و فردی دانش‌آموزان و نوع محتوای آموزشی وابسته است. بنابراین

نمی‌توان یک روش تدریس را برای تمام موقعیت‌های آموزشی مناسب دانست. معلم ادبیات فارسی باید بتواند با توجه به اهداف درس و نیازهای دانش‌آموزان، از ترکیبی از روش‌های تدریس استفاده کند و شرایطی فراهم آورد که دانش‌آموزان علاوه بر دریافت دانش، فرصت تجربه و تولید دانش را نیز داشته باشند.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که **روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی تا چه اندازه می‌توانند انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان را افزایش دهند و چه سازوکارهایی موجب اثربخشی این روش‌ها می‌شود؟** پاسخ به این مسئله می‌تواند به معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی کمک کند تا با شناخت بهتر ظرفیت‌های روش‌های نوین، زمینه ارتقای کیفیت آموزش ادبیات فارسی را فراهم آورند.

اهمیت این موضوع از آن جهت است که افزایش انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان نه‌تنها می‌تواند یادگیری محتوای ادبی را بهبود بخشد، بلکه ممکن است نگرش آنان نسبت به مطالعه، زبان فارسی، فرهنگ و میراث ادبی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. ازاین‌رو، بررسی علمی رابطه میان روش‌های تدریس نوین، انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان می‌تواند گامی در جهت حرکت آموزش ادبیات فارسی از الگوی سنتی و معلم‌محور به سمت الگوی فعال، تعاملی و دانش‌آموزمحور باشد.

۱. ۲ .بیان مسئله

تحولات گسترده در حوزه آموزش و یادگیری، ضرورت بازنگری در روش‌های سنتی تدریس را بیش از گذشته آشکار ساخته است. در الگوی سنتی، معلم معمولاً مهم‌ترین منبع انتقال اطلاعات محسوب می‌شود و دانش‌آموز بیشتر نقش دریافت‌کننده مطالب را بر عهده دارد. اگرچه این شیوه در برخی موقعیت‌های آموزشی می‌تواند کارآمد باشد، اما تکیه بیش از اندازه بر سخنرانی، حفظ مطالب و انتقال یک‌سویه اطلاعات، ممکن است فرصت تجربه، تفکر، پرسشگری و مشارکت دانش‌آموزان را محدود کند. این مسئله در درس ادبیات فارسی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ماهیت این درس با خواندن، اندیشیدن، تفسیر، تخیل، گفت‌وگو و تولید زبانی ارتباط مستقیم دارد.

یکی از مسائل مهم در آموزش ادبیات فارسی، ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان است. برخی دانش‌آموزان ممکن است ادبیات فارسی را مجموعه‌ای از مطالب حفظ‌کردنی شامل معنی واژگان، آرایه‌ها، دستور زبان، تاریخ ادبیات و مفاهیم متون تلقی کنند. هنگامی که آموزش این عناصر بدون ایجاد ارتباط میان محتوای درس و تجربه‌های واقعی دانش‌آموز انجام شود، احتمال کاهش علاقه و مشارکت افزایش می‌یابد. بنابراین،

چگونگی ارائه محتوای آموزشی می‌تواند به اندازه خود محتوای آموزشی در شکل‌گیری انگیزه دانش‌آموزان اهمیت داشته باشد.

از دیدگاه آموزشی، انگیزش نیرویی است که فرد را به آغاز، استمرار و تکمیل یک فعالیت هدایت می‌کند. در محیط مدرسه، دانش‌آموز با انگیزش بالا نه‌تنها برای کسب نمره، بلکه به دلیل علاقه به یادگیری و احساس ارزشمندی فعالیت آموزشی، در فرایند یادگیری مشارکت می‌کند. ازاین‌رو، ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان باید یکی از اهداف اساسی طراحی آموزشی باشد و معلم لازم است شرایطی ایجاد کند که دانش‌آموز احساس کند فعالیت‌های کلاسی برای او معنادار و قابل دستیابی هستند.

در کنار انگیزش، مشارکت فعال نیز از عناصر اساسی یادگیری اثربخش است. دانش‌آموز زمانی مشارکت واقعی دارد که در فرایند یادگیری به فعالیت فکری و عملی بپردازد، پرسش مطرح کند، درباره موضوعات مختلف اظهار نظر کند، با دیگران تعامل داشته باشد و بتواند آموخته‌های خود را در موقعیت‌های جدید به کار گیرد. بنابراین، افزایش مشارکت فعال می‌تواند یکی از مسیرهای مهم برای افزایش کیفیت یادگیری ادبیات فارسی باشد.

روش‌های نوین تدریس، ظرفیت قابل توجهی برای تحقق این هدف دارند. در روش‌های مشارکتی، دانش‌آموزان در قالب گروه‌های کوچک به فعالیت می‌پردازند و از طریق تعامل با یکدیگر به یادگیری می‌رسند. در یادگیری مبتنی بر مسئله، دانش‌آموز با یک مسئله یا موقعیت چالش‌برانگیز مواجه می‌شود و برای یافتن پاسخ، به جست‌وجو و تحلیل می‌پردازد. در یادگیری پروژه‌محور نیز دانش‌آموز در یک فعالیت نسبتاً بلندمدت، مسئولیت انجام بخشی از فرایند یادگیری را بر عهده می‌گیرد.

اجرای چنین روش‌هایی در درس ادبیات فارسی می‌تواند شکل فعالیت‌های کلاسی را تغییر دهد. برای نمونه، به جای اینکه معلم صرفاً معنی یک شعر را توضیح دهد، می‌تواند دانش‌آموزان را به گروه‌های مختلف تقسیم کند و از آنان بخواهد درباره پیام شعر، ویژگی‌های زبانی، عناصر ادبی و ارتباط آن با زندگی روزمره بحث کنند. این شیوه علاوه بر افزایش تعامل، فرصت می‌دهد دانش‌آموزان برداشت‌های شخصی خود را بیان کنند و از دیدگاه‌های دیگران نیز بهره ببرند.

با وجود ظرفیت‌های موجود، استفاده از روش‌های نوین تدریس در همه کلاس‌های ادبیات فارسی به یک اندازه مورد توجه قرار نگرفته است. عواملی مانند محدودیت زمانی، تعداد زیاد دانش‌آموزان، کمبود امکانات، عادت به شیوه‌های سنتی، فشار برنامه درسی و گاهی کمبود آموزش تخصصی معلمان می‌تواند مانع استفاده

گسترده از روش‌های فعال شود. به همین دلیل، بررسی علمی تأثیر این روش‌ها و شناسایی شرایط مؤثر بر اثربخشی آنها اهمیت دارد.

بر این اساس، مسئله اساسی پژوهش حاضر این است که **آیا استفاده از روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی می‌تواند موجب افزایش انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان شود و در صورت مثبت بودن پاسخ، کدام ویژگی‌های این روش‌ها بیشترین نقش را در این زمینه دارند؟**

---

۲. ۳ .اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش را می‌توان از چند جنبه بررسی کرد. نخست، ادبیات فارسی بخشی مهم از هویت زبانی و فرهنگی جامعه است و آموزش مطلوب آن می‌تواند در تقویت ارتباط دانش‌آموزان با زبان، فرهنگ و میراث ادبی کشور نقش داشته باشد. بنابراین، هر اقدامی که موجب افزایش کیفیت آموزش این درس شود، از اهمیت آموزشی و فرهنگی برخوردار است.

دوم، انگیزش دانش‌آموزان یکی از عوامل مؤثر بر کیفیت یادگیری است. دانش‌آموزی که نسبت به یک درس احساس علاقه و ارزشمندی دارد، معمولاً با توجه و پشتکار بیشتری در فعالیت‌های آموزشی شرکت می‌کند. بنابراین، توجه به عوامل مؤثر بر انگیزش می‌تواند به بهبود نتایج آموزشی کمک کند.

سوم، نظام آموزشی امروز نیازمند دانش‌آموزانی است که توانایی تفکر، تحلیل، حل مسئله، برقراری ارتباط و کار گروهی داشته باشند. روش‌های فعال تدریس می‌توانند زمینه تمرین و تقویت چنین مهارت‌هایی را در محیط کلاس فراهم کنند.

چهارم، نتایج این پژوهش می‌تواند برای معلمان ادبیات فارسی کاربرد عملی داشته باشد. آگاهی از ظرفیت روش‌هایی مانند یادگیری مشارکتی، پروژه‌محور، اکتشافی و فناوری‌محور می‌تواند به معلمان کمک کند تا متناسب با شرایط کلاس، فعالیت‌های آموزشی متنوع‌تری طراحی کنند.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزان آموزشی و مسئولان مدارس نیز سودمند باشد؛ زیرا نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان و فراهم کردن شرایط مناسب برای اجرای روش‌های فعال، می‌تواند بخشی از مشکلات مربوط به کاهش انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان را کاهش دهد.

---

۳. ۴ .اهداف پژوهش

۴. ۴ـ۱. هدف کلی

بررسی تأثیر روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی بر افزایش انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان.

۵. ۴ـ۲. اهداف اختصاصی

۱. بررسی نقش روش‌های نوین تدریس در افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان .
۲. بررسی تأثیر روش‌های نوین تدریس بر میزان مشارکت فعال دانش‌آموزان در کلاس ادبیات فارسی .
۳. بررسی نقش یادگیری مشارکتی در افزایش علاقه دانش‌آموزان به ادبیات فارسی .
۴. بررسی نقش فناوری‌های آموزشی در جذاب‌تر شدن فرایند آموزش ادبیات فارسی .
۵. بررسی نقش فعالیت‌های دانش‌آموزمحور در افزایش تعامل میان دانش‌آموزان و معلم .
۶. بررسی نقش روش‌های نوین در تقویت مهارت‌های تفکر، تحلیل و خلاقیت دانش‌آموزان .

---

۶. ۵ .پرسش‌های پژوهش

۷. پرسش اصلی

روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی چه تأثیری بر انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان دارند؟

۸. پرسش‌های فرعی

۹. روش‌های نوین تدریس تا چه اندازه می‌توانند انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهند؟
۱۰. روش‌های نوین تدریس چه تأثیری بر مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی دارند؟
۱۱. یادگیری مشارکتی چگونه می‌تواند علاقه دانش‌آموزان به درس ادبیات فارسی را افزایش دهد؟
۱۲. استفاده از فناوری‌های آموزشی چه نقشی در جذابیت آموزش ادبیات فارسی دارد؟
۱۳. فعالیت‌های دانش‌آموزمحور چگونه می‌توانند زمینه تقویت تفکر و خلاقیت دانش‌آموزان را فراهم کنند؟

---

۱۴. ۶ .مبانی نظری پژوهش

۱۵. ۶ـ۱. مفهوم روش تدریس

روش تدریس مجموعه‌ای از شیوه‌ها، اقدامات و راهبردهایی است که معلم برای سازمان‌دهی فرایند یاددهی ـ یادگیری و دستیابی به اهداف آموزشی به کار می‌گیرد. روش تدریس صرفاً به نحوه ارائه مطالب محدود

نیست، بلکه نحوه تعامل معلم و دانش‌آموز، نوع فعالیت‌های یادگیری، شیوه استفاده از منابع و چگونگی ارزشیابی را نیز دربرمی‌گیرد.

در رویکردهای جدید آموزشی، انتخاب روش تدریس باید بر اساس ویژگی‌های یادگیرندگان، اهداف آموزشی، ماهیت محتوا و شرایط محیط یادگیری صورت گیرد. بنابراین، روش تدریس زمانی اثربخش خواهد بود که میان روش انتخاب‌شده و هدف آموزشی هماهنگی وجود داشته باشد.

۱۶. ۶ـ۲. روش‌های نوین تدریس

روش‌های نوین تدریس بر نقش فعال یادگیرنده تأکید دارند. برخلاف رویکردهای سنتی که در آنها انتقال اطلاعات از معلم به دانش‌آموز محور اصلی فرایند آموزشی است، در روش‌های جدید دانش‌آموز در ساختن دانش و معنا نقش بیشتری ایفا می‌کند.

از مهم‌ترین روش‌های نوین قابل استفاده در آموزش ادبیات فارسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- یادگیری مشارکتی
- یادگیری مبتنی بر مسئله
- یادگیری پروژه‌محور
- یادگیری اکتشافی
- کلاس معکوس
- آموزش مبتنی بر فناوری
- بحث و گفت‌وگوی کلاسی
- ایفای نقش
- آموزش مبتنی بر فعالیت و تجربه

هر یک از این روش‌ها می‌تواند متناسب با موضوع درس و شرایط کلاس مورد استفاده قرار گیرد.

۱۷. ۶ـ۳. یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یکی از رویکردهای مهم آموزش فعال است که در آن دانش‌آموزان برای دستیابی به یک هدف مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند. در این روش، اعضای گروه علاوه بر مسئولیت یادگیری خود، نسبت به یادگیری سایر اعضای گروه نیز احساس مسئولیت می‌کنند.

در آموزش ادبیات فارسی، یادگیری مشارکتی می‌تواند در فعالیت‌هایی مانند تحلیل گروهی شعر، بررسی شخصیت‌های داستان، استخراج پیام متن، مقایسه آثار ادبی و تولید آثار نوشتاری مورد استفاده قرار گیرد.

این روش می‌تواند با ایجاد تعامل اجتماعی، فرصت بیشتری برای اظهار نظر دانش‌آموزان فراهم کند و به‌ویژه دانش‌آموزانی را که در شیوه‌های سنتی کمتر در بحث‌های کلاسی شرکت می‌کنند، به مشارکت بیشتر ترغیب نماید.

۱۸. ۶ـ۴. یادگیری مبتنی بر مسئله

در یادگیری مبتنی بر مسئله، آموزش با طرح یک مسئله یا موقعیت چالش‌برانگیز آغاز می‌شود. دانش‌آموزان تلاش می‌کنند با استفاده از دانش قبلی، جست‌وجو، تحلیل و گفت‌وگو، راه‌حل مناسبی برای مسئله پیدا کنند.

در درس ادبیات فارسی می‌توان از این روش برای طرح پرسش‌هایی درباره پیام یک اثر، رفتار شخصیت‌های داستان، دیدگاه شاعر یا ارتباط یک متن ادبی با مسائل اجتماعی استفاده کرد. در این شرایط، دانش‌آموز به جای دریافت پاسخ آماده، در فرایند کشف پاسخ مشارکت می‌کند.

این ویژگی می‌تواند نقش مهمی در افزایش انگیزش داشته باشد؛ زیرا دانش‌آموز احساس می‌کند فعالیت آموزشی صرفاً حفظ کردن مطالب نیست، بلکه فرصتی برای تفکر و کشف است.

۳- ۶ .مبانی نظری پژوهش

۳-۱- ۶ـ۵. یادگیری اکتشافی

یادگیری اکتشافی یکی از رویکردهای فعال آموزشی است که در آن دانش‌آموز به جای دریافت مستقیم پاسخ‌ها، از طریق مشاهده، جست‌وجو، مقایسه و تحلیل به کشف مفاهیم می‌پردازد. در این روش، معلم نقش

هدایت‌کننده و تسهیل‌کننده را بر عهده دارد و شرایطی را فراهم می‌کند که دانش‌آموز بتواند با استفاده از توانایی‌های شناختی خود به نتیجه برسد.

این روش در آموزش ادبیات فارسی ظرفیت بالایی دارد. برای مثال، معلم می‌تواند بخشی از یک شعر یا داستان را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد و از آنان بخواهد ویژگی‌های زبانی، ادبی یا معنایی آن را شناسایی کنند. در چنین شرایطی، دانش‌آموز خود در فرایند کشف ویژگی‌های متن مشارکت می‌کند و یادگیری از حالت دریافت منفعل خارج می‌شود.

یادگیری اکتشافی همچنین می‌تواند موجب تقویت حس کنجکاوی و استقلال یادگیرنده شود. هنگامی که دانش‌آموز احساس کند پاسخ را با تلاش خود به دست آورده است، احتمال بیشتری وجود دارد که یادگیری برای او معنادار و ماندگار شود.

۳-۲- ۶ـ۶. یادگیری پروژه‌محور

یادگیری پروژه‌محور یکی دیگر از روش‌های فعال تدریس است که دانش‌آموزان در آن با انجام یک فعالیت مشخص، دانش و مهارت‌های مورد نیاز خود را کسب می‌کنند. پروژه می‌تواند فردی یا گروهی باشد و معمولاً شامل مراحل برنامه‌ریزی، جمع‌آوری اطلاعات، اجرا، ارائه و ارزیابی است.

در آموزش ادبیات فارسی، پروژه‌هایی مانند تهیه زندگی‌نامه یک شاعر، بررسی یک سبک ادبی، گردآوری ضرب‌المثل‌های محلی، تهیه پادکست ادبی، ساخت روزنامه دیواری، تولید محتوای چندرسانه‌ای یا اجرای یک نمایش کوتاه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

این نوع فعالیت‌ها، دانش‌آموز را از مصرف‌کننده محتوا به تولیدکننده محتوا تبدیل می‌کنند. همچنین، انجام پروژه می‌تواند مهارت‌هایی مانند برنامه‌ریزی، همکاری، جست‌وجوی اطلاعات، ارائه مطالب و مدیریت زمان را تقویت کند.

۳-۳- ۶ـ۷. کلاس معکوس

کلاس معکوس یکی از رویکردهای جدید آموزشی است که در آن بخش قابل توجهی از ارائه اولیه محتوا خارج از زمان کلاس انجام می‌شود و زمان حضور در کلاس به فعالیت، بحث، تمرین و حل مسئله اختصاص می‌یابد.

در درس ادبیات فارسی، معلم می‌تواند پیش از جلسه آموزشی، یک فایل صوتی، ویدئوی کوتاه یا محتوای آموزشی درباره موضوع درس در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد. سپس در کلاس، به جای اختصاص تمام زمان به توضیح مطالب، دانش‌آموزان به تحلیل، گفت‌وگو و انجام فعالیت‌های مرتبط با متن بپردازند.

این روش می‌تواند زمان تعامل مستقیم میان معلم و دانش‌آموز را افزایش دهد و فرصت بیشتری برای فعالیت‌های مشارکتی فراهم کند. البته موفقیت کلاس معکوس به دسترسی دانش‌آموزان به امکانات لازم و طراحی مناسب محتوای پیش از کلاس وابسته است.

۳-٤- ۶ـ۸. نقش فناوری آموزشی در تدریس ادبیات فارسی

گسترش فناوری‌های دیجیتال، امکانات جدیدی برای آموزش زبان و ادبیات فارسی ایجاد کرده است. استفاده از فیلم، صوت، تصویر، ارائه‌های تعاملی، کتاب‌های دیجیتال، پادکست و ابزارهای آموزشی آنلاین می‌تواند تجربه یادگیری را متنوع‌تر کند.

ادبیات فارسی ماهیتی دارد که می‌توان آن را با عناصر مختلف چندرسانه‌ای ترکیب کرد. برای نمونه، هنگام تدریس شعر می‌توان از صدای شعرخوانی، تصاویر مرتبط با فضای شعر یا موسیقی متناسب استفاده کرد. در آموزش داستان نیز می‌توان از فیلم کوتاه یا محتوای تصویری برای ایجاد زمینه ذهنی استفاده کرد.

البته استفاده از فناوری زمانی اثربخش است که در خدمت هدف آموزشی باشد. استفاده افراطی یا بدون برنامه از ابزارهای دیجیتال ممکن است به جای افزایش یادگیری، موجب حواس‌پرتی شود. بنابراین، فناوری باید بخشی از طراحی آموزشی باشد، نه هدف اصلی آن.

۴- ۷ .انگیزش تحصیلی

٤-١- ۷ـ۱. مفهوم انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی به مجموعه عوامل درونی و بیرونی اشاره دارد که دانش‌آموز را به آغاز و ادامه فعالیت‌های یادگیری هدایت می‌کنند. انگیزش می‌تواند موجب افزایش تلاش، پشتکار، توجه و مشارکت فرد در فعالیت‌های آموزشی شود.

دانش‌آموز با انگیزش بالا معمولاً نسبت به یادگیری نگرش مثبت‌تری دارد و در مواجهه با دشواری‌ها سریعاً فعالیت را رها نمی‌کند. در مقابل، ضعف انگیزش می‌تواند با کاهش تلاش، بی‌توجهی، غیبت ذهنی و مشارکت محدود همراه باشد.

در آموزش ادبیات فارسی، ایجاد انگیزش اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا علاقه دانش‌آموز به شعر، داستان، زبان و فرهنگ می‌تواند به شکل‌گیری ارتباط عمیق‌تر با محتوای درس کمک کند.

٤-٢- ۷ـ۲. انگیزش درونی و بیرونی

انگیزش را می‌توان به طور کلی به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم کرد. در انگیزش درونی، فرد فعالیتی را به دلیل علاقه، لذت یا احساس ارزشمندی آن انجام می‌دهد. در انگیزش بیرونی، عواملی مانند نمره، پاداش، تشویق یا اجتناب از تنبیه نقش مهم‌تری دارند.

در آموزش مطلوب، اگرچه عوامل بیرونی مانند نمره و تشویق می‌توانند در کوتاه‌مدت مؤثر باشند، اما هدف اصلی باید تقویت انگیزش درونی باشد. دانش‌آموز زمانی ارتباط عمیق‌تری با ادبیات برقرار می‌کند که مطالعه شعر و داستان را صرفاً برای امتحان انجام ندهد، بلکه آن را تجربه‌ای جذاب و معنادار بداند.

روش‌های نوین تدریس می‌توانند از طریق ایجاد انتخاب، تعامل، تجربه موفقیت و فعالیت‌های جذاب، زمینه تقویت انگیزش درونی را فراهم کنند.

۵- ۸ .مشارکت فعال دانش‌آموزان

مشارکت فعال یکی از مفاهیم اساسی در آموزش دانش‌آموزمحور است. مشارکت فعال تنها به پاسخ دادن به پرسش‌های معلم محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد مختلفی دارد.

۵-۱-۱ مشارکت رفتاری

شامل حضور، انجام تکالیف، شرکت در فعالیت‌های گروهی و مشارکت در فعالیت‌های کلاسی است.

۵-۱-۲ مشارکت شناختی

به میزان تلاش ذهنی دانش‌آموز برای فهم، تحلیل، مقایسه و حل مسائل مربوط می‌شود.

۵-۱-۳ مشارکت عاطفی

شامل علاقه، احساس تعلق، لذت از یادگیری و نگرش مثبت نسبت به درس و محیط آموزشی است.

بنابراین، زمانی می‌توان گفت دانش‌آموز در فرایند آموزش مشارکت فعال دارد که از نظر رفتاری، شناختی و عاطفی درگیر یادگیری باشد.

در آموزش ادبیات فارسی، مشارکت فعال می‌تواند از طریق فعالیت‌هایی مانند شعرخوانی، تحلیل متن، بحث گروهی، داستان‌نویسی، نمایش، نقد ادبی و تولید محتوای ادبی ایجاد شود.

۶- ۹ .نقش معلم در روش‌های نوین تدریس

تغییر روش تدریس به معنای کاهش اهمیت نقش معلم نیست؛ بلکه نقش معلم را از «انتقال‌دهنده دانش» به «طراح و تسهیل‌کننده یادگیری» تغییر می‌دهد.

معلم در آموزش نوین باید بتواند محیطی ایجاد کند که دانش‌آموز در آن احساس امنیت، آزادی بیان و فرصت تجربه داشته باشد. در کلاس ادبیات فارسی، این مسئله اهمیت زیادی دارد؛ زیرا برداشت‌های مختلف از یک متن ادبی می‌تواند موضوع گفت‌وگو و تحلیل قرار گیرد.

معلم همچنین باید به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان توجه داشته باشد. همه دانش‌آموزان با یک سرعت و یک شیوه یاد نمی‌گیرند. برخی ممکن است در سخن گفتن توانمند باشند، برخی در نوشتن و برخی دیگر در فعالیت‌های هنری یا فناوری. روش‌های متنوع تدریس می‌توانند فرصت بروز توانایی‌های مختلف را فراهم کنند.

۷- ۱۰ .رابطه روش‌های نوین تدریس با انگیزش و مشارکت

می‌توان رابطه میان متغیرهای اصلی پژوهش را در یک الگوی مفهومی ساده چنین بیان کرد:

روش‌های نوین تدریس
⬇
افزایش تعامل، تنوع، انتخاب و تجربه یادگیری
⬇
افزایش علاقه و انگیزش تحصیلی
⬇
افزایش مشارکت رفتاری، شناختی و عاطفی
⬇
بهبود کیفیت یادگیری ادبیات فارسی

بر اساس این الگو، روش تدریس می‌تواند از طریق تغییر تجربه دانش‌آموز از فرایند یادگیری، بر انگیزش و مشارکت او اثر بگذارد. هنگامی که دانش‌آموز در کلاس فرصت انتخاب، همکاری، پرسشگری و تولید داشته باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که خود را بخشی از فرایند یادگیری بداند.

در نتیجه، روش‌های نوین تدریس را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از تکنیک‌های آموزشی دانست؛ بلکه آنها بخشی از یک تغییر اساسی در نگرش نسبت به یادگیری هستند. در این رویکرد، یادگیری زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که دانش‌آموز در ساختن آن نقش داشته باشد.

۸- ۱۱ .کاربرد روش‌های نوین در آموزش ادبیات فارسی

درس ادبیات فارسی به دلیل تنوع محتوایی، امکان استفاده از روش‌های گوناگون تدریس را فراهم می‌کند. برخی کاربردهای پیشنهادی عبارت‌اند از:

فعالیت دانش‌آموز	روش پیشنهادی	محتوای آموزشی
تحلیل گروهی شعر	یادگیری مشارکتی	شعر
اجرای شخصیت‌ها	ایفای نقش	داستان
کشف آرایه‌ها در متن	یادگیری اکتشافی	آرایه‌های ادبی
تولید داستان یا مقاله	پروژه‌محور	نگارش
تهیه ارائه چندرسانه‌ای	فناوری‌محور	تاریخ ادبیات
نقد و تحلیل متن	بحث گروهی	خوانش متون
رقابت واژگانی	بازی آموزشی	واژگان
تهیه زندگی‌نامه و آثار	پروژه پژوهشی	نویسندگان و شاعران

این تنوع می‌تواند از یکنواخت شدن کلاس جلوگیری کند و فرصت دهد دانش‌آموزان با شیوه‌های مختلف در فرایند یادگیری مشارکت کنند.

۹- ۱۲ .پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه روش‌های نوین تدریس نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران از آموزش معلم‌محور به سمت الگوهای فعال و دانش‌آموزمحور افزایش یافته است. در بسیاری از مطالعات، روش‌های مشارکتی، یادگیری مبتنی بر مسئله، آموزش پروژه‌محور و فناوری‌های آموزشی به عنوان عواملی مؤثر بر بهبود تجربه یادگیری و افزایش مشارکت دانش‌آموزان مورد توجه قرار گرفته‌اند.

پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه انگیزش تحصیلی نیز نشان می‌دهند که نحوه طراحی محیط یادگیری می‌تواند بر میزان علاقه، تلاش و استمرار دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی تأثیرگذار باشد. محیط‌هایی که در آنها دانش‌آموز فرصت انتخاب، تعامل، اظهار نظر و تجربه موفقیت دارد، معمولاً ظرفیت بیشتری برای ایجاد انگیزش دارند.

از سوی دیگر، مطالعات حوزه یادگیری فعال نشان می‌دهند که مشارکت دانش‌آموز در فعالیت‌های آموزشی می‌تواند فرایند یادگیری را عمیق‌تر کند. هنگامی که دانش‌آموز صرفاً شنونده مطالب نباشد و در تحلیل، بحث، حل مسئله و تولید محتوا مشارکت کند، فرصت بیشتری برای پردازش شناختی مطالب به دست می‌آورد.

۱۰- ۱۲ـ۱. مطالعات مرتبط با یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یکی از پرکاربردترین رویکردهای یادگیری فعال است که در پژوهش‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. مبنای اصلی این رویکرد آن است که تعامل میان دانش‌آموزان می‌تواند فرصت بیشتری برای توضیح، پرسش، بازخورد و اصلاح برداشت‌های ذهنی فراهم کند.

در آموزش ادبیات فارسی، اهمیت این موضوع دوچندان است؛ زیرا بسیاری از مفاهیم ادبی می‌توانند از طریق گفت‌وگو و تبادل دیدگاه بهتر درک شوند. یک شعر یا داستان ممکن است برداشت‌های متفاوتی ایجاد کند و همین تفاوت دیدگاه می‌تواند زمینه مناسبی برای گفت‌وگوی آموزشی فراهم سازد.

بر این اساس، کلاس ادبیات می‌تواند از محیطی که در آن معلم تنها تفسیرکننده متن است، به محیطی تبدیل شود که دانش‌آموزان نیز در تفسیر و تحلیل مشارکت دارند. این تغییر می‌تواند همزمان بر مشارکت و انگیزش اثرگذار باشد.

۱۱- ۱۲ـ۲. مطالعات مرتبط با فناوری آموزشی

فناوری آموزشی یکی دیگر از حوزه‌های مورد توجه پژوهشگران در سال‌های اخیر است. ابزارهای دیجیتال می‌توانند امکان ارائه محتوا در قالب‌های مختلف را فراهم کنند و به دانش‌آموز اجازه دهند با متن، تصویر، صدا و ویدئو ارتباط برقرار کند.

در آموزش ادبیات فارسی، این ظرفیت می‌تواند برای ارائه شعرخوانی، داستان، محتوای تاریخی، معرفی شاعران و نویسندگان و حتی تولید آثار دانش‌آموزی مورد استفاده قرار گیرد.

با این حال، یافته‌های مطالعات حوزه فناوری آموزشی نشان می‌دهد که اثربخشی فناوری به خود ابزار وابسته نیست؛ بلکه کیفیت طراحی آموزشی و نحوه استفاده معلم از آن اهمیت اساسی دارد. بنابراین، استفاده از فناوری بدون هدف مشخص نمی‌تواند تضمین‌کننده افزایش انگیزش یا یادگیری باشد.

۱۲- ۱۲ـ۳. مطالعات مرتبط با انگیزش تحصیلی

پژوهش‌های حوزه انگیزش نشان می‌دهند که دانش‌آموز زمانی با علاقه بیشتری در فعالیت آموزشی شرکت می‌کند که احساس کند فعالیت برای او معنادار است، توانایی انجام آن را دارد و فرصت اثرگذاری بر فرایند یادگیری را در اختیار دارد.

از این منظر، روش‌های نوین تدریس می‌توانند با ایجاد فعالیت‌های متنوع و فراهم کردن فرصت موفقیت، بر انگیزش دانش‌آموزان اثر بگذارند. برای مثال، فعالیتی مانند داستان‌نویسی یا تولید یک پادکست ادبی ممکن است برای دانش‌آموزی که در فعالیت‌های شفاهی یا خلاقانه توانمند است، انگیزه بیشتری نسبت به حفظ کردن مطالب ایجاد کند.

۱۳- ۱۲ـ۴. مطالعات مرتبط با مشارکت فعال

مطالعات مربوط به مشارکت فعال نشان می‌دهند که مشارکت دانش‌آموزان دارای ابعاد مختلفی است و صرف حضور در کلاس نمی‌تواند به معنای مشارکت واقعی باشد.

دانش‌آموز ممکن است از نظر فیزیکی در کلاس حضور داشته باشد اما از نظر ذهنی و عاطفی درگیر فعالیت آموزشی نباشد. ازاین‌رو، طراحی فعالیت‌هایی که دانش‌آموز را به فکر کردن، گفت‌وگو، همکاری و تولید وادار می‌کند، اهمیت ویژه‌ای دارد.

در درس ادبیات فارسی، فعالیت‌هایی مانند تحلیل گروهی متن، اجرای نمایش، نقد شعر، داستان‌نویسی و ارائه شفاهی می‌توانند زمینه مناسبی برای مشارکت چندبعدی دانش‌آموزان فراهم کنند.

---

۱۳. خلأ پژوهشی ۱۴-

با وجود افزایش مطالعات درباره روش‌های نوین تدریس، انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان، هنوز بررسی همزمان این متغیرها در زمینه آموزش ادبیات فارسی اهمیت دارد. بسیاری از مطالعات به صورت جداگانه به اثربخشی یک روش آموزشی یا یک متغیر پرداخته‌اند؛ در حالی که در فرایند واقعی آموزش، روش تدریس، انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان با یکدیگر ارتباط دارند.

از سوی دیگر، ویژگی‌های خاص درس ادبیات فارسی باعث می‌شود نتایج مطالعات مربوط به سایر دروس را نتوان بدون بررسی و تحلیل، مستقیماً به این حوزه تعمیم داد. ادبیات با زبان، فرهنگ، تخیل، احساس و تجربه زیسته دانش‌آموزان ارتباط دارد و همین ویژگی‌ها ضرورت توجه به روش‌های متناسب با ماهیت این درس را افزایش می‌دهد.

بنابراین، پژوهش حاضر تلاش می‌کند با تمرکز بر ارتباط میان **روش‌های نوین تدریس، انگیزش تحصیلی و مشارکت فعال دانش‌آموزان در درس ادبیات فارسی**، تصویری منسجم از این ارتباط ارائه دهد.

---

۱۴. روش‌شناسی پژوهش ۱۵-

پژوهش حاضر از نظر هدف، **کاربردی** و از نظر روش، **توصیفی ـ تحلیلی** است. در این پژوهش، با استفاده از مبانی نظری و بررسی یافته‌های پژوهش‌های مرتبط، نقش روش‌های نوین تدریس در افزایش انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان مورد تحلیل قرار گرفته است.

جامعه مورد توجه پژوهش، دانش‌آموزان دوره متوسطه و محیط آموزشی درس ادبیات فارسی است. داده‌های مورد استفاده در مطالعه از طریق بررسی منابع علمی، کتاب‌ها، مقالات پژوهشی و مطالعات مرتبط با روش‌های نوین تدریس، انگیزش تحصیلی و مشارکت دانش‌آموزان گردآوری شده است.

در تحلیل موضوع، سه متغیر اصلی مورد توجه قرار گرفته‌اند:

۱. **روش‌های نوین تدریس** به عنوان متغیر مستقل؛
۲. **انگیزش تحصیلی** به عنوان یکی از پیامدهای اصلی؛
۳. **مشارکت فعال دانش‌آموزان** به عنوان پیامد آموزشی دیگر .

تحلیل مطالب بر اساس مقایسه دیدگاه‌های نظری و یافته‌های پژوهشی موجود انجام شده و تلاش شده است ارتباط میان متغیرها با توجه به ویژگی‌های درس ادبیات فارسی تبیین شود.

۱۶- ۱۵ .تحلیل و بحث

بررسی مبانی نظری و مطالعات مرتبط نشان می‌دهد که روش تدریس می‌تواند از طریق تغییر محیط یادگیری، بر انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان اثرگذار باشد. در روش‌های سنتی، بخش قابل توجهی از فعالیت شناختی بر عهده معلم است؛ اما در روش‌های فعال، دانش‌آموز نیز در فرایند تولید و سازمان‌دهی دانش نقش دارد.

این تغییر نقش می‌تواند نخست بر احساس مسئولیت دانش‌آموز نسبت به یادگیری تأثیر بگذارد. هنگامی که دانش‌آموز مسئول انجام یک فعالیت مشخص باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که نسبت به نتیجه آن احساس مالکیت داشته باشد. این احساس مالکیت می‌تواند یکی از عوامل افزایش انگیزش باشد.

از سوی دیگر، روش‌های نوین معمولاً امکان تعامل بیشتری ایجاد می‌کنند. تعامل با همکلاسی‌ها و معلم می‌تواند محیط یادگیری را از حالت فردی و منفعل خارج کند. در درس ادبیات فارسی، این تعامل می‌تواند در قالب گفت‌وگو درباره یک شعر، تحلیل شخصیت‌های داستان یا نقد یک متن ادبی شکل گیرد.

۱۷- ۱۵ـ۱. تأثیر روش‌های نوین بر انگیزش

یکی از مهم‌ترین دلایل احتمالی اثربخشی روش‌های نوین، ایجاد تنوع در فعالیت‌های آموزشی است. تکرار یک شیوه آموزشی می‌تواند موجب یکنواختی شود، در حالی که تنوع در فعالیت‌ها می‌تواند توجه دانش‌آموزان را افزایش دهد.

برای مثال، آموزش یک موضوع ادبی می‌تواند در یک جلسه از طریق توضیح کوتاه معلم، در جلسه بعد از طریق کار گروهی و در مرحله بعد با استفاده از پروژه یا فعالیت خلاقانه دنبال شود. این تنوع می‌تواند تجربه یادگیری را جذاب‌تر کند.

همچنین، امکان انتخاب در برخی روش‌های نوین می‌تواند انگیزش را افزایش دهد. اگر دانش‌آموز بتواند موضوع پروژه خود را انتخاب کند یا روش ارائه کار خود را تعیین نماید، احتمال بیشتری وجود دارد که با فعالیت ارتباط شخصی برقرار کند.

۱۸- ۱۵ـ۲. تأثیر روش‌های نوین بر مشارکت فعال

روش‌های نوین تدریس به دلیل ماهیت تعاملی خود، ظرفیت بالایی برای افزایش مشارکت دارند. در روش سخنرانی، ممکن است تنها تعداد محدودی از دانش‌آموزان در پاسخ به پرسش‌ها مشارکت کنند؛ اما در فعالیت گروهی، فرصت مشارکت میان تعداد بیشتری از دانش‌آموزان توزیع می‌شود.

در آموزش ادبیات فارسی، فعالیت‌های گروهی می‌توانند به دانش‌آموزان فرصت دهند نقش‌های مختلفی مانند خواننده، تحلیلگر، نویسنده، ارائه‌دهنده و ارزیاب را تجربه کنند. این تقسیم نقش می‌تواند مشارکت را افزایش دهد و به دانش‌آموزان کم‌حرف نیز فرصت حضور فعال بدهد.

۱۹- ۱۵ـ۳. تأثیر روش‌های نوین بر یادگیری عمیق

یکی دیگر از پیامدهای مهم روش‌های فعال، فراهم شدن زمینه یادگیری عمیق‌تر است. در یادگیری سطحی، دانش‌آموز ممکن است اطلاعات را برای مدت کوتاهی حفظ کند؛ اما در یادگیری عمیق، تلاش می‌کند ارتباط میان مفاهیم را درک کند.

تحلیل یک شعر، مقایسه دو اثر ادبی، بررسی دیدگاه نویسنده یا ارتباط دادن یک متن با مسائل اجتماعی، فعالیت‌هایی هستند که دانش‌آموز را به پردازش عمیق‌تر محتوا وادار می‌کنند.

بنابراین، استفاده از روش‌های نوین می‌تواند علاوه بر افزایش انگیزش و مشارکت، به تغییر کیفیت یادگیری نیز کمک کند.

۲۰- ۱۶ .مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش

بر اساس مباحث مطرح‌شده، مدل مفهومی پژوهش را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:

روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی

↓

یادگیری مشارکتی ـ یادگیری اکتشافی ـ پروژه‌محور ـ مسئله‌محور ـ کلاس معکوس ـ فناوری آموزشی

↓

ایجاد محیط یادگیری فعال و تعاملی

↓

افزایش علاقه، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی

↓

افزایش مشارکت رفتاری، شناختی و عاطفی

↓

بهبود کیفیت یادگیری ادبیات فارسی

این مدل نشان می‌دهد که روش‌های نوین تدریس می‌توانند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر پیامدهای آموزشی اثر بگذارند. به عبارت دیگر، تغییر روش تدریس ابتدا تجربه دانش‌آموز از کلاس را تغییر می‌دهد و این تغییر می‌تواند به افزایش انگیزش و مشارکت منجر شود.

۱. ۱۷ .بحث نهایی

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر روش‌های نوین تدریس ادبیات فارسی بر افزایش انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان بود. بررسی مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که شیوه تدریس معلم یکی از عوامل مهم در شکل‌دهی به تجربه یادگیری دانش‌آموزان است. روش تدریس می‌تواند محیط کلاس، میزان تعامل، نوع فعالیت‌های شناختی و حتی نگرش دانش‌آموز نسبت به درس را تحت تأثیر قرار دهد.

در آموزش ادبیات فارسی، این موضوع اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا ادبیات صرفاً مجموعه‌ای از اطلاعات برای حفظ کردن نیست، بلکه عرصه‌ای برای تفکر، تخیل، احساس، گفت‌وگو و خلاقیت است. بنابراین، شیوه آموزش آن نیز باید با این ویژگی‌ها هماهنگ باشد.

یافته‌های نظری پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های نوین تدریس می‌توانند از طریق ایجاد محیطی فعال و دانش‌آموزمحور، زمینه افزایش انگیزش را فراهم کنند. هنگامی که دانش‌آموز در فعالیت آموزشی نقش دارد، امکان انتخاب و اظهار نظر پیدا می‌کند و نتیجه تلاش خود را مشاهده می‌کند، احتمال شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به یادگیری افزایش می‌یابد.

از سوی دیگر، استفاده از فعالیت‌های گروهی و تعاملی می‌تواند مشارکت دانش‌آموزان را افزایش دهد. در کلاس‌هایی که دانش‌آموزان فرصت گفت‌وگو، تحلیل، ارائه و همکاری دارند، فرایند یادگیری از حالت یک‌طرفه خارج شده و به فعالیتی دوسویه یا چندسویه تبدیل می‌شود.

یکی از نکات مهم این پژوهش آن است که روش‌های نوین تدریس نباید به صورت مجموعه‌ای از تکنیک‌های جدا از یکدیگر مورد استفاده قرار گیرند. اثربخشی این روش‌ها به طراحی آموزشی مناسب وابسته است. ممکن است استفاده از یک فناوری جدید یا اجرای یک فعالیت گروهی، بدون ارتباط با هدف درس، تأثیر قابل توجهی بر یادگیری نداشته باشد.

بنابراین، معلم باید پیش از انتخاب روش تدریس، اهداف آموزشی، ویژگی‌های دانش‌آموزان، محتوای درس، امکانات موجود و زمان در اختیار را در نظر بگیرد. برای مثال، یک فعالیت مناسب برای آموزش شعر ممکن است برای تدریس دستور زبان مناسب نباشد. همین موضوع ضرورت انعطاف‌پذیری معلم در انتخاب روش را نشان می‌دهد.

---

۲. ۱۸ .نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حرکت از روش‌های صرفاً سنتی و انتقال‌محور به سمت روش‌های فعال و نوین می‌تواند نقش مهمی در افزایش انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان در درس ادبیات فارسی داشته باشد.

روش‌هایی مانند **یادگیری مشارکتی، یادگیری اکتشافی، یادگیری پروژه‌محور، یادگیری مبتنی بر مسئله، کلاس معکوس و استفاده هدفمند از فناوری آموزشی** این امکان را فراهم می‌کنند که دانش‌آموز از یک دریافت‌کننده منفعل به یک یادگیرنده فعال تبدیل شود.

در چنین محیطی، دانش‌آموز فرصت پیدا می‌کند سؤال بپرسد، نظر خود را بیان کند، با دیگران همکاری کند، متن ادبی را تحلیل کند و حتی محتوای ادبی تولید نماید. این فرایند می‌تواند موجب افزایش احساس توانمندی و علاقه به یادگیری شود.

از سوی دیگر، افزایش مشارکت دانش‌آموزان می‌تواند کیفیت تعامل میان معلم و دانش‌آموز و همچنین تعامل میان خود دانش‌آموزان را بهبود بخشد. تعامل بیشتر می‌تواند زمینه تبادل دیدگاه‌ها و شکل‌گیری یادگیری عمیق‌تر را فراهم کند.

در مجموع، می‌توان گفت **روش تدریس یکی از حلقه‌های مهم ارتباط میان محتوای آموزشی و تجربه یادگیری دانش‌آموز است** .حتی محتوای ارزشمند ادبی نیز اگر با شیوه‌ای یکنواخت و غیرتعاملی ارائه شود، ممکن است نتواند ظرفیت واقعی خود را در جذب دانش‌آموزان نشان دهد.

بنابراین، به‌کارگیری روش‌های نوین در آموزش ادبیات فارسی باید بخشی از فرایند تحول آموزشی باشد. این تحول نه به معنای حذف کامل روش‌های سنتی، بلکه به معنای استفاده هوشمندانه و ترکیبی از روش‌های مختلف برای دستیابی به اهداف آموزشی است.

---

۳. ۱۹ .پیشنهادهای کاربردی

بر اساس نتایج و مباحث مطرح‌شده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۴. ۱۹ـ۱. پیشنهاد به معلمان

۱. معلمان ادبیات فارسی از تنوع روش‌های تدریس در کلاس استفاده کنند و آموزش را صرفاً به سخنرانی محدود نکنند .
۲. از فعالیت‌های گروهی برای تحلیل شعر، داستان و متون ادبی استفاده شود .
۳. دانش‌آموزان در فرایند تحلیل متون فرصت اظهار نظر داشته باشند .
۴. از پروژه‌های کوچک ادبی مانند داستان‌نویسی، شعرخوانی، تهیه پادکست و معرفی نویسندگان استفاده شود .
۵. از فناوری‌های آموزشی متناسب با اهداف درس استفاده شود .
۶. برای دانش‌آموزان فرصت انتخاب موضوع یا شیوه ارائه فعالیت فراهم شود .
۷. موفقیت‌های دانش‌آموزان در فعالیت‌های ادبی مورد تشویق قرار گیرد .
۸. فضای کلاس به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز از بیان دیدگاه متفاوت خود هراس نداشته باشد .

۵. ۱۹ـ۲. پیشنهاد به مدارس

مدارس می‌توانند با فراهم کردن امکانات آموزشی و دیجیتال، زمینه اجرای فعالیت‌های نوین را افزایش دهند. همچنین برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی برای معلمان می‌تواند به آشنایی آنان با روش‌های جدید آموزشی کمک کند.

۶. ۱۹ـ۳. پیشنهاد به برنامه‌ریزان آموزشی

برنامه‌ریزان آموزشی باید در طراحی محتوای کتاب‌های درسی، فرصت بیشتری برای فعالیت، گفت‌وگو، تحلیل و تولید محتوا در نظر بگیرند. همچنین حجم مطالب باید به گونه‌ای باشد که معلم فرصت استفاده از روش‌های فعال را داشته باشد.

---

۷. ۲۰ .محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر نیز مانند هر مطالعه علمی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. مهم‌ترین محدودیت، تفاوت شرایط مدارس و کلاس‌های درس است. امکانات آموزشی، تعداد دانش‌آموزان، سطح علمی آنان و مهارت معلمان می‌تواند بر میزان اثربخشی روش‌های نوین تأثیر بگذارد.

همچنین، استفاده از فناوری‌های آموزشی به میزان دسترسی دانش‌آموزان و مدرسه به امکانات دیجیتال وابسته است. بنابراین، نتایج حاصل از یک محیط آموزشی را نمی‌توان بدون توجه به شرایط محیط دیگر به صورت کامل تعمیم داد.

از سوی دیگر، انگیزش و مشارکت دانش‌آموزان متأثر از عوامل متعددی مانند ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و مدرسه‌ای است و نمی‌توان تمام تغییرات آن را صرفاً به روش تدریس نسبت داد.

---

۸. ۲۱ .پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده:

۹. تأثیر هر یک از روش‌های نوین تدریس به صورت جداگانه بررسی شود .

۱۰. مطالعات تجربی و نیمه‌آزمایشی درباره تأثیر این روش‌ها بر دانش‌آموزان انجام گیرد .

۱۱. تفاوت اثربخشی روش‌های نوین در دوره‌های مختلف تحصیلی بررسی شود .

۱۲. نقش جنسیت، پایه تحصیلی و پیشینه تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گیرد .

۱۳. تأثیر آموزش ترکیبی و فناوری‌های هوشمند بر یادگیری ادبیات فارسی مطالعه شود .

۱۴. دیدگاه معلمان درباره موانع اجرای روش‌های نوین بررسی شود .

۱۵. رابطه میان روش‌های نوین تدریس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز بررسی شود .

---

۱۶. ۲۲ .جمع‌بندی نهایی

در مجموع، آموزش ادبیات فارسی زمانی می‌تواند بیشترین اثربخشی را داشته باشد که دانش‌آموز را در مرکز فرایند یادگیری قرار دهد. روش‌های نوین تدریس با ایجاد فرصت برای تعامل، انتخاب، تجربه، خلاقیت و همکاری می‌توانند زمینه مناسبی برای افزایش انگیزش و مشارکت فعال دانش‌آموزان ایجاد کنند.

از این منظر، آینده آموزش ادبیات فارسی نه در حذف کامل روش‌های سنتی، بلکه در **ترکیب هدفمند روش‌های سنتی و نوین** و حرکت به سمت آموزش انعطاف‌پذیر، فعال و دانش‌آموزمحور قرار دارد.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که **معلم ادبیات فارسی زمانی می‌تواند بیشترین تأثیر را بر یادگیری داشته باشد که علاوه بر انتقال دانش ادبی، زمینه تجربه کردن، اندیشیدن، گفت‌وگو کردن و تولید کردن را برای دانش‌آموز فراهم سازد .**چنین رویکردی می‌تواند ادبیات فارسی را از درسی صرفاً آموزشی به تجربه‌ای پویا، معنادار و ماندگار برای دانش‌آموزان تبدیل کند.

۱. ۲۳ .منابع فارسی

۱. شعبانی، حسن) .۱۳۹۸ .(*مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روش‌ها و فنون تدریس* .تهران: سمت .
۲. سیف، علی‌اکبر) .۱۴۰۰ .(*روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش* .تهران: دوران .
۳. شریعتمداری، علی) .۱۳۹۷ .(*اصول و فلسفه تعلیم و تربیت* .تهران: امیرکبیر .
۴. پارسا، محمد) .۱۳۹۸ .(*روان‌شناسی یادگیری و آموزش* .تهران: سخن .
۵. کدیور، پروین) .۱۳۹۹ .(*روان‌شناسی تربیتی* .تهران: سمت .
۶. مهرمحمدی، محمود) .۱۳۹۸ .(*بازاندیشی در برنامه درسی: رویکردها و چشم‌اندازها* .تهران: سمت .
۷. ملکی، حسن) .۱۴۰۰ .(*برنامه‌ریزی درسی: راهنمای عمل* .تهران: پیام نور .
۸. فتحی واجارگاه، کوروش) .۱۳۹۹ .(*اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی* .تهران: آییژ .
۹. خنیفر، حسین، و مقیمی، سیدمحمد) .۱۳۹۸ .(*پژوهش در علوم تربیتی و رفتاری* .تهران: ترمه .
۱۰. حسن‌زاده، رمضان) .۱۳۹۹ .(*روش‌های تحقیق در علوم رفتاری* .تهران: انتشارات دانشگاهی .
۱۱. نوروزی، داریوش، و رضوی، سیدعباس) .۱۳۹۸ .(*فناوری آموزشی و کاربرد آن در فرایند یاددهی ـ یادگیری* .تهران: سمت .
۱۲. رضوی، سیدعباس) .۱۴۰۰ .(*مبانی فناوری آموزشی* .تهران: سمت .
۱۳. شمس، محمدجواد) .۱۳۹۸ .(*روش‌ها و فنون تدریس* .تهران: سمت .
۱۴. شعبانی، حسن) .۱۳۹۷ .(*روش تدریس و آموزش مهارت‌های تفکر* .تهران: سمت .
۱۵. سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهه) .۱۳۹۹ .(*روش‌های تحقیق در علوم رفتاری* .تهران: آگاه .

---

2. ۲۴. منابع انگلیسی

3. Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. W. H. Freeman.
4. Barkley, E. F., Cross, K. P., & Major, C. H. (2014). *Collaborative learning techniques: A handbook for college faculty* (2nd ed.). Jossey-Bass.
5. Biggs, J., & Tang, C. (2011). *Teaching for quality learning at university* (4th ed.). Open University Press.
6. Bonwell, C. C., & Eison, J. A. (1991). *Active learning: Creating excitement in the classroom*. George Washington University.
7. Bruner, J. S. (1961). The act of discovery. *Harvard Educational Review, 31*(1), 21–32.
8. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry, 11*(4), 227–268.
9. Dörnyei, Z. (2001). *Motivational strategies in the language classroom*. Cambridge University Press.
10. Freeman, S., Eddy, S. L., McDonough, M., Smith, M. K., Okoroafor, N., Jordt, H., & Wenderoth, M. P. (2014). Active learning increases student performance in science, engineering, and mathematics. *Proceedings of the National Academy of Sciences, 111*(23), 8410–8415.
11. Hattie, J. (2009). *Visible learning: A synthesis of over 800 meta-analyses relating to achievement*. Routledge.
12. Johnson, D. W., Johnson, R. T., & Smith, K. A. (2014). Cooperative learning: Improving university instruction by basing practice on validated theory. *Journal on Excellence in University Teaching, 25*(3–4), 85–118.
13. Kahu, E. R. (2013). Framing student engagement in higher education. *Studies in Higher Education, 38*(5), 758–773.
14. Prince, M. (2004). Does active learning work? A review of the research. *Journal of Engineering Education, 93*(3), 223–231.
15. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2020). Intrinsic and extrinsic motivation from a self-determination theory perspective: Definitions, theory, practices, and future directions. *Contemporary Educational Psychology, 61*, 101860.

16. Slavin, R. E. (2014). Cooperative learning and academic achievement: Why does groupwork work? *Anales de Psicología, 30*(3), 785–791.
17. Zimmerman, B. J. (2002). Becoming a self-regulated learner: An overview. *Theory Into Practice, 41*(2), 64–70.